

عیسی شفا می‌کند مفلوج را

¹ پس به کشتی سوار شده، عبور کرد و به شهر خویش آمد.² ناگاه مفلوجی را بر بستر خوابانیده، نزد وی آوردند. چون عیسی ایمان ایشان را دید، مفلوج را گفت: ای فرزند، خاطر جمع دار که گناهانت آمرزیده شد.³ آنگاه بعضی از کاتبان با خود گفتند: این شخص کفر می‌گوید.⁴ عیسی خیالات ایشان را درک نموده، گفت: از بهر چه خیالات فاسد به خاطر خود راه می‌دهید؟⁵ زیرا کدام سهل تر است، گفتن اینکه گناهان تو آمرزیده شد یا گفتن آنکه برخاسته بخرام؟⁶ لیکن تا بدانید که پسر انسان را قدرت آمرزیدن گناهان بر روی زمین هست، آنگاه مفلوج را گفت: برخیز و بستر خود را برداشته، به خانه خود روانه شو!⁷ در حال برخاسته، به خانه خود رفت.⁸ و آن گروه چون این عمل را دیدند، متعجب شده، خدایی را که این نوع قدرت به مردم عطا فرموده بود، تمجید نمودند.

دعوت مئی

⁹ چون عیسی از آنجا می‌گذشت، مردی را مسمی به مئی به باجگاه نشسته دید. بدو گفت: مرا متابعت کن! در حال برخاسته، از عقب وی روانه شد.¹⁰ و واقع شد چون او در خانه به غذا نشسته بود که جمعی از باجگیران و گناهکاران آمده، با عیسی و شاگردانش بنشستند.¹¹ و فریسیان چون دیدند، به شاگردان او گفتند: چرا استاد شما با باجگیران و گناهکاران غذا می‌خورد؟¹² عیسی چون شنید، گفت: نه تندرستان، بلکه مریضان احتیاج به طیب دارند.¹³ لکن رفته، این را دریافت کنید که: رحمت می‌خواهم نه قربانی. زیرا نیامده‌ام تا عادلان را، بلکه گناهکاران را به توبه دعوت نمایم.

روزه ایمان داران

¹⁴ آنگاه شاگردان یحیی نزد وی آمده، گفتند: چون است که ما و فریسیان روزه بسیار می‌داریم، لکن شاگردان تو روزه نمی‌دارند؟¹⁵ عیسی بدیشان گفت: آیا پسران خانه عروسی، مادامی که داماد با ایشان است، می‌توانند ماتم کنند؟ و لکن ایامی می‌آید که داماد از ایشان گرفته شود؛ در آن هنگام روزه خواهند داشت.¹⁶ و هیچ‌کس بر جامه کهنه پارهای از پارچه نو وصله نمی‌کند زیرا که آن وصله از جامه جدا می‌گردد و دریدگی بدتر می‌شود.¹⁷ و شراب نو را در مشکهای

یسوع یشفی المفلوج

¹ فَدَخَلَ السَّفِينَةَ وَاجْتَاَزَ وَجَاءَ إِلَى مَدِينَتِهِ.² وَإِذَا مَفْلُوجٌ يُقَدِّمُوهُ إِلَيْهِ مَطْرُوحًا عَلَى فِرَاشٍ. فَلَمَّا رَأَى يَسُوعُ إِيْمَانَهُمْ قَالَ لِلْمَفْلُوجِ: ثِقْ، يَا بَنِيَّ، مَعْفُورَةٌ لَكَ خَطَايَاكَ.³ وَإِذَا قَوْمٌ مِنَ الْكَتَبَةِ قَدِ قَالُوا فِي أَنْفُسِهِمْ: هَذَا يَجْدِفُ.⁴ فَعَلِمَ يَسُوعُ أَفْكَارَهُمْ فَقَالَ: لِمَاذَا تُفَكِّرُونَ بِالشَّرِّ فِي قُلُوبِكُمْ؟ أَلَمْ أَبَسِّرْ، أَنْ يُقَالَ: مَعْفُورَةٌ لَكَ خَطَايَاكَ، أَمْ أَنْ يُقَالَ: فَمُ وَامْسِ؟⁶ وَلَكِنْ لِكَيْ تَعْلَمُوا أَنَّ لِبْنِ الْإِنْسَانِ سُلْطَانًا عَلَى الْأَرْضِ أَنْ يَغْفِرَ الْخَطَايَا، جِيئْتُ قَالٍ لِلْمَفْلُوجِ: فُمْ، أَحْمِلْ فِرَاسَكَ وَاهْبِ إِلَى بَيْتِكَ.⁷ فَقَامَ وَمَضَى إِلَى بَيْتِهِ.⁸ فَلَمَّا رَأَى الْجُمُوعُ تَعَجَّبُوا وَمَجَّدُوا اللَّهَ الَّذِي أَعْطَى النَّاسَ سُلْطَانًا مِثْلَ هَذَا.

مئی العشار يتبع يسوع

⁹ وَفِيمَا يَسُوعُ مُجْتَازًا مِنْ هُنَاكَ رَأَى إِنْسَانًا جَالِسًا عِنْدَ مَكَانِ الْجَبَايَةِ اسْمُهُ مَيْي. فَقَالَ لَهُ: اتَّبِعْنِي، فَقَامَ وَتَبِعَهُ.¹⁰ وَبَيْنَمَا هُوَ مُتَكِبٌ فِي الْبَيْتِ إِذَا عَسَاوُونَ وَخَطَاةٌ كَثِيرُونَ قَدْ جَاءُوا وَانْكَبُوا مَعَ يَسُوعَ وَتَلَامِيذِهِ.¹¹ فَلَمَّا تَطَرَّ الْعَشْرَاسِيُّونَ قَالُوا لِتَلَامِيذِهِ: لِمَاذَا يَأْكُلُ مُعَلِّمُكُمْ مَعَ الْعَشْرَاسِيِّينَ وَالْخَطَاةِ؟¹² فَلَمَّا سَمِعَ يَسُوعُ قَالَ لَهُمْ: لَا يَحْتَاجُ الْأَصْحَاءُ إِلَى طَيِّبٍ بَلِ الْمَرْضَى. فَادْهَبُوا وَتَعْلَمُوا مَا هُوَ: "إِنِّي أُرِيدُ رَحْمَةً لَا ذَبِيحَةً"، لِأَنِّي لَمْ آتِ لِأَدْعُو أَبْرَارًا بَلِ خُطَاةً إِلَى التَّوْبَةِ.

صيام الإیمان

¹⁴ جِيئْتُ أَتَى إِلَيْهِ تَلَامِيذُ يُوْحَنَّا قَائِلِينَ: لِمَاذَا نَصُومُ نَحْنُ وَالْفَرِّسِيُّونَ كَثِيرًا وَأَمَّا تَلَامِيذُكَ فَلَا يَصُومُونَ؟¹⁵ فَقَالَ لَهُمْ يَسُوعُ: هَلْ يَسْتَطِيعُ بَنُو الْعُرْسِ أَنْ يَبُوحُوا مَا دَامَ الْعُرْسُ مَعَهُمْ؟ وَلَكِنْ سَتَاتِي أَيَّامٌ حِينَ يُزْفَعُ الْعُرْسُ عَنْهُمْ فَجِيئْتُ يَصُومُونَ.¹⁶ لَيْسَ أَحَدٌ يَجْعَلُ رُفْعَةً مِنْ قِطْعَةٍ جَدِيدَةٍ عَلَى ثَوْبٍ عَتِيقٍ، لِأَنَّ الْمِلءَ يَأْخُذُ مِنَ الثَّوْبِ قَصِيرَ الْجُرْفِ أَرْدًا.¹⁷ وَلَا يَجْعَلُونَ خَمْرًا جَدِيدَةً فِي زِقَاقِ عَتِيقَةٍ، لِئَلَّا تَنْسَقَ الزِّقَاقُ فَالْخَمْرُ تَنْصَبُ وَالزِّقَاقُ تَنْلَفُ، بَلِ يَجْعَلُونَ خَمْرًا جَدِيدَةً فِي زِقَاقِ جَدِيدَةٍ فَتَحْفَظُ جَمِيعًا.

یسوع یشفی امرأه و یقیم بنت مانت

¹⁸ وَفِيمَا هُوَ يُكَلِّمُهُمْ بِهَذَا إِذَا رَيْسٌ قَدْ جَاءَ فَسَجَدَ لَهُ قَائِلًا: إِنَّ ابْنَتِي الْآنَ مَاتَتْ، لَكِنْ تَعَالَ وَصَعِّ يَدَكَ عَلَيْهَا فَتَحْيَا.¹⁹ فَقَامَ يَسُوعُ وَتَبِعَهُ هُوَ وَتَلَامِيذُهُ.²⁰ وَإِذَا امْرَأَةٌ تَارِقَةٌ دَمٍ مُنْذُ ابْنَتِي عَشْرَةَ سَنَةٍ قَدْ جَاءَتْ مِنْ وَرَائِهِ

وَمَسَّتْ هُذْبَ تَوْبِهِ.²¹ لِأَنَّهَا قَالَتْ فِي نَفْسِهَا: إِنْ مَسَسْتُ تَوْبَهُ فَقَطُّ سُنَيْتٌ.²² فَالْتَفَتَ يَسُوعُ وَأَبْصَرَهَا فَقَالَ: ثِقْبِي، يَا ابْنَةُ، إِيمَانُكَ قَدْ شَقَاكَ. فَسَفِيَتِ الْمَرْأَةُ مِنْ تِلْكَ السَّاعَةِ.

²³ وَلَمَّا جَاءَ يَسُوعُ إِلَى بَيْتِ الرَّئِيسِ وَتَطَرَّ الْمُزْمَرِّينَ وَالْجَمَعَ يَصْجُونَ²⁴ قَالَ لَهُمْ: تَنَحَّوْا، فَإِنَّ الصَّبِيَّةَ لَمْ تَمُتْ لِكَيْفِهَا تَائِمَةٌ. فَصَجُّوْا عَلَيْهِ.²⁵ فَلَمَّا أُخْرِجَ الْجَمْعُ دَخَلَ وَأَمْسَكَ يَدَيْهَا، فَقَامَتِ الصَّبِيَّةُ.²⁶ فَخَرَجَ ذَلِكَ الْخَبْرُ إِلَى تِلْكَ الْأَرْضِ كُلِّهَا.

يسوع يشفي كفيفين

²⁷ وَفِيمَا يَسُوعُ مُجْتَازًا مِنْ هُنَاكَ تَبِعَهُ أَعْمَيَانِ يَصْرُخَانِ وَيَقُولَانِ: اِرْحَمْنَا، يَا ابْنَ دَاوُدَ.²⁸ وَلَمَّا جَاءَ إِلَى الْبَيْتِ تَقَدَّمَ إِلَيْهِ الْأَعْمَيَانِ، فَقَالَ لَهُمَا يَسُوعُ: أُنُومَتَانِ أَتِي أَحَدُزُّ أَنْ أَفْعَلَ هَذَا؟ قَالَا لَهُ: نَعَمْ، يَا سَيِّدُ.²⁹ جِيئِنِي لِمَسِّ أَعْيُنِهِمَا قَائِلًا: بِحَسَبِ إِيمَانِكَمَا لِيَكُنْ لَكُمَا. قَانِقَتَحَتْ أَعْيُنَهُمَا، قَانْتَهَرَهُمَا يَسُوعُ قَائِلًا: انظُرَا، لَا يَعْلَمُ أَحَدٌ.³¹ وَلَكِنَّهُمَا خَرَجَا وَأَسَاعَاهُ فِي تِلْكَ الْأَرْضِ كُلِّهَا.

يسوع يشفي أخرس

³² وَفِيمَا هُمَا خَارِجَانِ إِذَا إِنْسَانٌ آخَرَسٌ مَجْنُونٌ قَدَّمُوهُ إِلَيْهِ.³³ فَلَمَّا أُخْرِجَ الشَّيْطَانُ تَكَلَّمَ بِالْآخَرَسِ، فَتَعَجَّبَ الْجُمُوعُ قَائِلِينَ: لَمْ يَطْهَرِ قَطُّ مِثْلُ هَذَا فِي إِسْرَائِيلَ.³⁴ أَمَا الْفَرِّسِيُّونَ قَالُوا: يَرِيسُ الشَّيَاطِينِ يُخْرِجُ الشَّيَاطِينَ.

الحصاد الكثير

³⁵ وَكَانَ يَسُوعُ يَطُوفُ الْمُدْنَ كُلِّهَا وَالْقُرَى يُعَلِّمُ فِي مَجَامِعِهَا، وَيَكْرُرُ بِبِسَارَةِ الْمَلَكُوتِ، وَيَشْفِي كُلَّ مَرَضٍ وَكُلَّ صَعْفٍ فِي الشَّعْبِ.³⁶ وَلَمَّا رَأَى الْجُمُوعُ تَحَنَّنَ عَلَيْهِمْ، إِذْ كَانُوا مُتْرَعَجِينَ وَمُنْطَرَجِينَ كَعَتَمٍ لَا رَاعِي لَهَا.³⁷ جِيئِنِي قَالٍ لِتَلَامِيذِهِ: الْحَصَادُ كَثِيرٌ وَلَكِنَّ الْقَعْلَةَ قَلِيلُونَ.³⁸ فَاطْلُبُوا مِنْ رَبِّ الْحَصَادِ أَنْ يُرْسِلَ قَعْلَةً إِلَى حَصَادِهِ.

كهنة نمی ریزند والا مشکها دریده شده، شراب ریخته و مشکها تباه گردد. بلکه شراب نور را در مشکهای نو می ریزند تا هر دو محفوظ باشد.

عیسی شفا می کند یک زن را و زنده کردن یک دختر

¹⁸ او هنوز این سخنان را بدیشان می گفت که ناگاه رئیسی آمد و او را پرستش نموده، گفت: اکنون دختر من مرده است. لکن بیا و دست خود را بر وی گذار که زیست خواهد کرد.¹⁹ پس عیسی به اتفاق شاگردان خود برخاسته، از عقب او روانه شد.²⁰ و اینک، زنی که مدت دوازده سال به مرض استحاضه مبتلا می بود، از عقب او آمده، دامن ردای او را لمس نمود،²¹ زیرا با خود گفته بود: اگر محض ردایش را لمس کنم، هرابنه شفا یابم.²² عیسی برگشته، نظر بر وی انداخته، گفت: ای دختر، خاطر جمع باش زیرا که ایمانتو را شفا داده است! در ساعت آن زن رستگار گردید.

²³ و چون عیسی به خانه رئیس در آمد، نوحه گران و گروهی از شورشکنندگان را دیده،²⁴ بدیشان گفت: راه دهید! زیرا دختر نمرده، بلکه در خواب است. ایشان بر وی سُخْرِبِه کردند.²⁵ اما چون آن گروه بیرون شدند، داخل شده، دست آن دختر را گرفت که در ساعت برخاست.²⁶ و این کار در تمام آن مرزوبوم شهرت یافت.

عیسی شفا می کند دو نابینا را

²⁷ و چون عیسی از آن مکان می رفت، دو کور فریادکنان در عقب او افتاده، گفتند: پسر داودا، بر ما ترحم کن!²⁸ و چون به خانه در آمد، آن دو کور نزد او آمدند. عیسی بدیشان گفت: آیا ایمان دارید که این کار را می توانم کرد؟ گفتندش: بلی، خداوندا.²⁹ در ساعت چشمان ایشان را لمس کرده، گفت: بر وفق ایمانتان به شما بشود.³⁰ در حال چشمانشان باز شد و عیسی ایشان را به تأکید فرمود که زنهار کسی اطلاع نیابد.³¹ اما ایشان بیرون رفته، او را در تمام آن نواحی شهرت دادند.

عیسی شفا می کند لال را

³² و هنگامی که ایشان بیرون می رفتند، ناگاه دیوانهای گنگ را نزد او آوردند.³³ و چون دیو بیرون شد، گنگ، گویا گردید و همه در تعجب شده، گفتند: در اسرائیل چنین امر هرگز دیده نشده بود.³⁴ لیکن فریسیان گفتند:

به واسطهٔ رئیس دیوها، دیوها را بیرون می‌کند.

دلسوزی عیسی برای مردم

³⁵ و عیسی در همهٔ شهرها و دهات گشته، درکنایس ایشان تعلیم داده، به بشارت ملکوت موعظه می‌نمود و هر مرض و رنج مردم را شفا می‌داد.³⁶ و چون جمعی کثیر دید، دلش بر ایشان بسوخت زیرا که مانند گوسفندان بی‌شبان، پریشانحال و پراکنده بودند.³⁷ آن‌گاه به شاگردان خود گفت: حصاد فراوان است لیکن عمّله کم.³⁸ پس از صاحب حصاد استدعا نماید تا عمّله در حصاد خود بفرستد.